

جزئیات بیشتر حادثه نارداران از زبان یک فرد آگاه

اگر دولتی ها می توانند، پرچم آذربایجان را در شوشا و قره باغ برافراشته کنند که سال هاست در اشغال ارامنه می باشد.



به گزارش آران نیوز یکی از افراد آگاه حادثه نارداران را چنین بیان کرده است:

از حقیقت های ماجرای نارداران برایمان بگویید:

آغاز این حادثه ریشه در مداخلات کشورهای بیگانه در ممالک اسلامی دارد. دولت جمهوری آذربایجان با منع حجاب و تخریب مساجد مردم را به شدت تحریک کردند آنها سعی کردند با دستگیری مبلغان دینی جمهوری آذربایجان که درد دین داشتند، مردم را بترسانند و از آنها زهر چشم بگیرند که اگر شما هم بخواهید بر علیه حاکمیت صحبتی کنید، دستگیر می شوید. درواقع عین این است که بگوییم اگر امام حسین(ع) قیام نمی کرد، یزید ایشان را به شهادت نمی رساند! اما کسی نیست که به این سوال پاسخ دهد و بگوید امام حسین(ع) برای چه قیام کرد؟ یعنی کسی در آذربایجان به مردم نمی گوید که آن دیندار و مبلغ دینی که دستگیر شده است دم از دین زده و به همین دلیل دستگیر شده است. نقطه ی آغاز ماجرای ضرب و شتم دینداران در جمهوری آذربایجان در واقع از سال 1997 شروع شد که بیعت حکومت آذربایجان با اسرائیل علنی شد و مردم مسلمان نیز این موضوع را برنتافتند.

هرچند آن زمان مثل الان رادیکالی نبود و خیلی از کارها سرپوشیده انجام می شد اما در جریان منع حجاب همه چیز به وضوح روشن شده و بروز پیدا کرد که به دنبال آن دکتر صمداف صحبت کرده و قریب به 300 نفر دستگیر و راهی زندان شدند.

س از مدتی ماجرای تخریب مسجد پیش آمد و گویی علت جری شدن دولتی ها این بود که نمی توانستند به هدفشان برسند. یعنی وقتی به صورت رسمی حجاب را ممنوع و یا مساجد را تخریب می کردند، باز هم به خواسته ی خود نمی رسیدند چون مردم عکس العملی خلاف انتظار آنها نشان می دادند. روحانی هم که صحبت می کرد و از دین می گفت، بین مردم صاحب جایگاه و احترام خاصی بود که اینها برای از بین بردن حرمت او در آذربایجان او را فرد دینی افراطی معرفی کرده و بین مردم فراقنی کردند چون می دانستند که با این کار بعدها به ما انگ دیندار رادیکالی خواهند زد.

نمونه بارز این موضوع هم این است که در برخی از رسانه های آذربایجان یک طرف ملا عمر از القاعده و در طرف دیگر ابوبکر البغدادی از داعش و در وسط هم یکی از نمادهای مبارزان شیعه در آذربایجان یعنی حاج طالع باقراف را قرار می دهند. در حالی که عین روز روشن است که هم ملا عمر و هم ابوبکر البغدادی منسوب به جریان و تفکر وهابیت هستند و تنها دشمن رسمی و علنی آنها همین شیعیان و رهبران ایشان می باشند اما دولت آذربایجان با وقاحت تمام حاج طالع را هم ردیف تروریست های تکفیری قرار می دهد تا بتواند بدین طریق کل جامعه شیعی را تحت کنترل شدید قرار دهد و انگ رادیکالی به ایشان بزند.

نیروهای امنیتی آذربایجان، بارزترین و اساسی ترین شئونات اسلامی را قذف کردند، چون می دانستند در این صورت دینداران واقعی اعتراض خواهند کرد و آنها همین دینداران را رادیکال معرفی کرده و از صحنه خارج خواهند کرد.

حادثه نارداران در واقع نقشه های از پیش تعیین شده بود تا دینداران واقعی با پرچسب رادیکال بودن از صحنه خارج شوند. همه خوب می دانیم حاج طالع باقراف قبل از حادثه ی نارداران نیز دو بار حبس شده است که یکبار در زمان بحبوحه مساله حجاب و بار دیگر در منطقه ی یاسامال بود که او را متوقف و دستگیر کردند. اما پس از آزادی هربار که او را به همایش ها دعوت کردند، او می پذیرفت و این بار هم اگر واقعا قصد دستگیری حاج طالع را داشتند می توانستند او را احضار و دستگیر کنند.

چند سال پیش در درگیری آذربایجان با سلفی ها یک پلیس کشته شد، اما MTN با ترندهایی آن را کتمان کرد و هیچ کس هم خبردار نشد. اما در حادثه ی نارداران دو پلیس با سلاح برخی ماموران امنیتی کشته می شوند و بلافاصله همه از این موضوع خبردار می شوند و حتی ترکیه هم از این موضوع احساس نگرانی می کند! و با پلیس ها ابراز همدردی می کند.

چرا باید ماموران امنیتی دو پلیس بی گناه را بکشند و فضای نارداران رابه تنش بکشند؟

من برای این گفته خود دلیل منطقی دارم؛ ما شیعه هستیم و می دانیم و معتقدیم که هیچ شیعه ی با سلاح به نماز نمی رود و نمازگزاران ناردارانی هم در آن حادثه با خود سلاح نداشتند. از طرفی دیگر نیز این اتفاق نیز در حین نماز افتاده است. یک نمازگذار در بین نماز سلاح می خواهد چه کار؟! مگر خبر داشت که او را خواهند کشت؟ اگر خبر داشت

چطور به جای نماز، فرار نکرده بود؟

دومین دلیل این است که ریش سفیدان نارداران حتی دو پلیس کشته شده را شهید نامیدند در حالی که ماموران امنیتی کشته شده بودند. حال سوال این است که آیا ما شیعیان کسانی را که خودمان آنها را می کشیم شهید می نامیم؟! ماموران امنیتی عمدا دو پلیس بی گناه را ترور کردند که ما را تروریست بنامند و این در حالی بود که دینداران ناردارانی اصلا به سمت ماموران شلیک نکرده بودند.

حادثه نارداران در ایام نزدیک به پیاده روی اربعین بود؛ آیا حاج طالع صرفا برای نماز آمده بود یا برنامه ی دیگری در کار بود؟

در شرایطی که طالع را تروریست و اطرافیان او را رادیکال معرفی کرده بودند، معتبر ترین فضا برای او نارداران بود، چون همه شیعه بودند. به عبارت دیگر حاج طالع از فضای مسموم موجود در آذربایجان به نارداران فرار کرده بود. او اصلا راضی به ایجاد آشوب نبود و هنگامی هم که به طرف نارداران حرکت می کرد گفت: اگر ما را دستگیر کنند به خاطر وحدت دستگیر می کنند. چون خط ما وحدت است باید دینداران آذربایجان یکجا جمع شده و متحد باشند.

در حقیقت پس از رسوای های مفتضحانه ی وزارت امنیت آذربایجان در پی برکناری الدار محمود اف، در بخش هایی از مناطق شمالی آذربایجان مبارزاتی با سلفی ها شده بود و با پیش آوردن حادثه نارداران MTN سعی کرد تا پیامی به همراهان و طرفداران سلفی ها ارسال کند که همچنان دغدغه مبارزه با شیعیان را دارد و سلفی گری را دشمن خود نمی داند! این سناریو را چیدند تا نشان دهند که هنوز هم مقابل شیعه و اسلام صف بسته اند.

در جریان دستگیری الدار محمود اف، دولتی ها شایعه ای را در بین مردم پخش کرد که به دلیل فرهنگ چایخانه ای مردم خیلی زود منتشر شد که وی به جرم استراق مکالمات

تلفنی خانواده رئیس جمهور دستگیر شده است اما حقیقت آن بود که الدار محمود اف بخاطر ضعف در همکاری با سلفی ها و صهیونیسم از کار برکنار شد.

رفتار دوگانه در دولت آذربایجان بیداد می کند چندی پیش از خانه یکی از سرکردگان سلفی گری در شهر سومقائیت یک انبار سلاح کشف شد ولی فقط شش ماه محبوس شد چون منتسب به وهابیت بود اما بسیاری کسانی که نیروهای امنیتی با جاسازی فقط یک سلاح در خانه دینداران، آنها را با حبس های طولانی مدت دست به گریبان کرده اند که از

آن جمله میتوان به دکتر صمداف و حاج آبگل اشاره کرد.

نه تنها در نارداران بلکه در خیلی از کشورهای دیگر مثل سوریه و نیجریه، صهیونیسم ها وارد میدان شده اند که شیعه را از بین ببرند.

در روز حادثه ی نارداران چه در مسجد و چه در خارج از مسجد دقیقا چه اتفاقی افتاد؟

بحث را باید از اولین نقطه مورد توجه قرار بدهیم که چرا ماموران امنیتی آن روز با ماشین زباله وارد نارداران شده بودند؟! آنها اگر دنبال متهم بودند باید با ماشین پلیس و چند نفر مامور (حتی مسلح) به محل می آمدند و متهم را با خود می بردند و اگر متهم تابع قانون بود با آنها می رفت ولی اگر این طور نبود می توانستند او را به زور به اداره پلیس ببرند. ولی آنها این کار را نکردند؛ آنها با ماشین زباله و به صورت پنهانی وارد نارداران شدند و بعد از شهید کردن مردم و نمازگزاران، حاج طالع را دستگیر کرده و با خود بردند. امام صادق(ع) فرموده است خداوند دشمنان ما را از احمق ها قرار داده است، و اگر ما از ابتدای حادثه به اتفاقات واقع شده توجه کنیم، معلوم می شود که به واقع دشمنان ما احمق هستند. امروز همه مردم این سوال را دارند که چرا ماموران مخفیانه و با ماشین زباله به نارداران آمدند و حاج طالع را بردند؟ آیا وضعیت قطعی برق و آب و تلفن و سایر امور در نارداران به همان حالت باقی است و یا اوضاع ساماندهی شده است؟ یکی از موارد مورد بحث نیز همین امر است که اگر مشکل آنها با شخص حاج طالع بود، بعد از رفتن او باید دست از سر نارداران برمی داشتند اما دقیقا عکس این کار را انجام دادند.

این نقشه طراحی شده بود که اولاً شیعیان را به اسلام رادیکال تشبیه و منسوب کنند، دوما اقداماتی را نیز در خود نارداران انجام بدهند چون پشتیبان اساسی در آذربایجان، نارداران بود؛ نارداران یگانه منطقه ای در آذربایجان است که کوچه های آن به نام 14 معصوم است؛ نارداران جایی است که وقتی که صدام تبریز را بمباران می کرد، مردم آن به نشانه ی همدردی با مردم تبریز به پناهگاه ها می رفتند؛ درست است که در مناطق دیگر نیز دیندارانی وجود دارند اما نارداران جایی است که مردم آن با اتکا به نیروی خود در چهارچوب قوانین اسلام زندگی می کنند. اما همه ی اینها مایه ناراحتی دشمن است چرا که نارداران مانع بزرگی بر سر راه اهداف آنهاست، اینجا جایی است که نمی توانند حجاب از سر زنان بردارند و مسجد خراب کنند و شئون اسلامی را زیر پا بگذارند. لذا برای نیل به مقصد، ساده ترین راه این است که خود نارداران را از بین ببرند. بعد از این حادثه محدودیت ها و فشارهای وارده بر مردم نارداران چه تغییری کرده است؟

مردم روحیه ی خوبی دارند و این روحیه صرفاً از خود نارداران نیست بلکه حمایت های معنوی مردم تبریز، شیعیان ترکیه و روسیه و دیگر جاها نیز تاثیرگذار بود و مراسم ها و دستجات عزاداری که برگزار کردند و اقدامات نمادینی که صورت گرفت همه در احیای روحیه ی مردم نارداران اثر داشت و آنها این پیام را از شیعیان دیگر کشورها دریافت کردند که نارداران تنها نیست و این ظلم ها چشم بیداران پنهان نمی ماند. ماجرای نارداران به خاطر دین اتفاق افتاده است و متصل به مکتب امام حسین است. یک دانشمند مشهور انگلیسی می نویسد، اگر بخوایم اسلام را از روی زمین محو کنیم، باید دو چیز را از مسلمانان بگیریم؛ یکی امام حسین(ع) و عاشورا و دیگری امام مهدی(عج) و مهدویت. می گوید اگر این دو را حذف کنیم می توانیم فاتحه ی اسلام را بخوانیم. اما هر قدر که به مردم نارداران فشار وارد می کنند، آنها می گویند هیچ یک از این سختی ها قابل قیاس با مصایب امام حسین(ع) نیست! لذا از مرام و مسلک خود دست برنمی دارد. هر قدر هم که آنان را زندانی و شکنجه می کنند باز معتقدند که در محضر

امام زمانشان هستند. تا زمانی که مردم با این دو تفکر عجیب هستند، ممکن نیست اسلام را رها کنند. شنیده ایم که دولت می خواهد اسم کوچه های نارداران را عوض کنند و نام امامان معصوم را از آن بردارند؛ آیا این موضوع حقیقت دارد؟ بله اتفاقات متعددی افتاده است، در برخی جاها پرچم ها را پایین کشیدند. آذربایجان با سیاست "تقویت حس حبّ وطن" که بر اساس آن پرچم امام حسین(ع) را پایین آورده و پرچم آذربایجان را جای آن نصب می کنند. البته ما خود پرچم آذربایجان را در نارداران برقرار کرده بودیم اما در کنار آن پرچم امام حسین(ع) را نیز داشتیم که این خود نشان از تفکر ماست؛ اما آنها در بین عموم چنین وانمود کردند که ما پرچم آذربایجان را قبول نداریم و به جای آن پرچم امام حسین(ع) را برپا کرده ایم در حالی که ما پرچم آذربایجان را نیز قبول و ملت آذربایجان را نیز دوست داریم اما مکتب امام حسین نیز مرام و مسلک ماست. ما پرچم آذربایجان را داشتیم و این هنر نیست که پرچم آذربایجان را جایی برپا کنند که از قبل برپا بوده است اگر دولتی ها می توانند، پرچم آذربایجان را در شوشا و قره باغ برافراشته کنند که سال هاست در اشغال ارامنه می باشد. در فایل های ویدیویی نیز قابل مشاهده است که وقتی حاج طالع به خانه ای در نارداران مهمان شدند، آنجا پرچم آذربایجان نیز بود، اما تحلیل گران سیاسی چنین شایع کردند که ما به ارزش های آنان، حتی پرچم آنان بی حرمتی کرده ایم! لذا لازم است تحلیلگران سیاسی تفهیم شوند که وقتی نوشته ای را به دستشان می دهند تا از روی آن بخوانند، قبل از خواندن حداقل یکبار به خود حادثه مراجعه کنند ...